



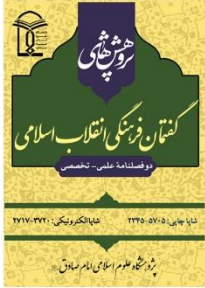
Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute Social Studies

P. ISSN: 2345-5706 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://gotfeman.isri.ac.ir>

Volume: 1; Number: 2



Alireza Ostadiankhani Graduate of Islamic Education University

Alireza Ostadian Khani*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.499147.1036>

Received: 2025/01/10 - Accepted: 2025/03/08

Type of Article: Research

(129-155)

Abstract

The seminary, as one of the main pillars of knowledge-building in Islamic civilization, plays an important role in explaining and consolidating the foundations of Mahdist civilization. The main question is how can the seminary comprehensively strengthen Mahdist knowledge and provide the necessary foundations for Mahdist civilization? This research, using an analytical-documentary method and emphasizing the thoughts of Ayatollah Khamenei, examines the role of the seminary in two dimensions: explanatory and responsive. The explanatory role includes explaining the concept of Mahdism based on authentic Islamic sources, explaining the different dimensions of Mahdist civilization and its place in historical developments, explaining the relationship of Mahdism with other Islamic concepts, promoting a culture of dynamic and responsible waiting, explaining the formation of the Islamic Revolution as a prelude to Mahdist civilization, and clarifying the duties of those waiting in the face of Western modernity and the fight against the arrogant powers. The responsive role also involves responding to doubts, correcting deviations and misconceptions about Mahdism, and confronting deviant currents that exploit Mahdism. The research findings show that the seminary, through educational, research, and missionary activities, can and should play an effective role in laying the foundation for the realization of Mahdavi civilization. This article emphasizes the necessity of developing the seminary's capacities in strengthening knowledge, increasing insight, and intelligently confronting challenges on the path to Mahdavi civilization.

Keywords: Mahdavit, civilization, seminary, epistemic role, Ayatollah Khamenei.

*. Graduate of the University of Islamic Studies , ostad1363@gmail.com.



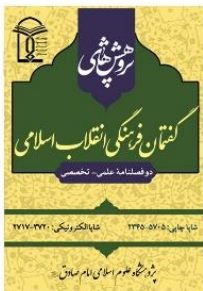
پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق

پژوهشگاه مطالعات اجتماعی

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

نشانی پانگاه: <http://golesman.hri.ac.ir>

سال اول، شماره دوم



* فارق التحصیل دانشگاه معارف اسلامی،
ostad1363@gmail.com

نقش معرفتی حوزه علمیه در شکل‌گیری تمدن مهدوی با تأکید بر اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

علیرضا استادیان خانی*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.499147.1036>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

نوع مقاله: پژوهشی

(۱۵۵-۱۲۹)

چکیده

حوزه علمیه، به‌منزله یکی از ارکان اصلی معرفت‌سازی در تمدن اسلامی، نقش مهمی در تبیین و تحکیم مبانی تمدن مهدوی ایفا می‌کند. پرسش اصلی این است که حوزه علمیه چگونه می‌تواند به‌صورت جامع، معرفت مهدوی را تقویت کرده و بستری لازم برای تمدن مهدوی را فراهم سازد؟ این پژوهش با روش تحلیلی-اسنادی و با تأکید بر اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به بررسی نقش حوزه علمیه در دو بُعد تبیینی و پاسخگویانه می‌پردازد. نقش تبیینی، شامل تبیین مفهوم مهدویت بر پایه منابع اصیل اسلامی، تشریح ابعاد مختلف تمدن مهدوی و جایگاه آن در تحولات تاریخی، تبیین نسبت مهدویت با سایر مفاهیم اسلامی، ترویج فرهنگ انتظار پویا و مسئولانه، تشریح تشکیل انقلاب اسلامی به‌مثابه مقدمه تمدن مهدوی، روشن ساختن وظایف منتظران در مواجهه با مدرنیته غربی و مبارزه با مستکبران است. نقش پاسخگویانه نیز به پاسخ‌گویی به شبهات، تصحیح انحرافات و برداشت‌های نادرست از مهدویت، مقابله با جریان‌های انحرافی سوءاستفاده‌کننده از مهدویت می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حوزه علمیه، از طریق فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و تبلیغی، می‌تواند و باید نقش مؤثری در زمینه‌سازی معرفتی برای تحقق تمدن مهدوی ایفا کند. این مقاله بر ضرورت توسعه ظرفیت‌های حوزه علمیه در تقویت معرفت، افزایش بصیرت و مقابله هوشمندانه با چالش‌ها، در مسیر تمدن‌سازی مهدوی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: مهدویت، تمدن، حوزه علمیه، نقش معرفتی، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. بیان مسئله

مهدویت از ارکان اساسی در منظومه اعتقادی شیعه بوده و همواره جایگاهی ویژه در اندیشه و فرهنگ مسلمانان داشته است. این باور که در آخرالزمان، منجی موعودی ظهور خواهد کرد و با برقراری عدل و داد، تمدنی الهی را بنا خواهد نهاد، نه تنها یک وعده غیبی، بلکه یک آرمان و امید برای آینده بشریت محسوب می‌شود (رک: جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۵). این موضوع، فراتر از یک اعتقاد صرف، همانند یک محرک قوی برای تلاش و فعالیت در جهت اصلاح جامعه تلقی می‌شود.

حوزه علمیه، به منزله مهمترین مرکز تربیت عالمان دینی و پاسدار ارزش‌های اسلامی، نقشی بی‌بدیل در تبیین و ترویج اندیشه مهدویت و آماده‌سازی جامعه برای ظهور منجی موعود بر عهده دارد. حوزه علمیه نه تنها وظیفه دارد به تعلیم و تربیت طلاب و روحانیون بپردازد، بلکه باید با درک عمیق از مقتضیات زمان و شناخت چالش‌های فکری و فرهنگی، به شبهات و ابهامات در زمینه مهدویت پاسخگو باشد و بنیان‌های اعتقادی جامعه را در این زمینه تقویت کند (رک: مطهری، ۱۳۷۲: ۶۵). حوزه علمیه همچنین باید با تبیین دقیق آموزه‌های مهدوی، از تفسیرهای نادرست و خرافی این موضوع جلوگیری کند و زمینه را برای درک صحیح آن فراهم سازد.

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، بارها با تأکید بر اهمیت کار عالمانه در موضوع مهدویت، بر نقش حیاتی حوزه علمیه در این زمینه تأکید داشته‌اند (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۸ / ۴ / ۱۳۹۰) و انتظار را نه تنها یک باور قلبی، بلکه یک حرکت و تلاش عملی برای زمینه‌سازی ظهور معرفتی کرده‌اند (رک: همان، ۲۷ / ۵ / ۱۳۸۷). در منظومه فکری رهبر انقلاب اسلامی، انتظار فرج یک نوع آمادگی فعالانه برای استقبال از منجی موعود است که حوزه علمیه باید در این زمینه پیشگام باشد. در این جهت، اندیشه‌های ایشان باید به منزله محور اساسی در تحلیل نقش حوزه علمیه در تمدن مهدوی بررسی شود و مبنای برنامه‌ریزی و فعالیت‌های این نهاد قرار گیرد.

این مقاله با هدف شناسایی و تحلیل نقش معرفتی حوزه علمیه در شکل‌گیری تمدن

مهدوی، از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای تدوین شده است. سؤال اصلی این است که از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، حوزه علمیه چگونه می‌تواند در زمینه‌سازی تحقق تمدن مهدوی نقش آفرینی کند؟ به عبارت دیگر، چه راهبردها و نقش‌هایی از سخنان و رهنمودهای ایشان برای ارتقای نقش حوزه علمیه در این زمینه استخراج می‌شود؟

از آنجاکه در منظومه فکری رهبر انقلاب، نگاهی جامع و حداکثری را به رابطه حوزه علمیه با تمدن مهدوی شاهد هستیم، فرضیه این پژوهش این است که حوزه علمیه باید نقش حداکثری در رابطه با تمدن مهدوی ایفا کند. بر این اساس، حوزه علمیه باید در سه نوع فعالیت خویش، شامل آموزش، پژوهش و تبلیغ و در دو حوزه تبیینی و پاسخگویی - به عبارت دیگر، با استفاده از اصطلاحات علوم نظامی (و البته با تسامح) در دو بخش آفندی و پدافندی - به ایفای نقش پردازد؛ البته در این مقاله صرفاً ابعاد نقش آفرینی معرفتی واکاوی شده است.

این تحقیق با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. نوآوری پژوهش حاضر، در تحلیل نقش معرفتی حوزه علمیه از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و ارائه چارچوبی برای فعالیت‌های حوزوی در این زمینه است.

۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر روش کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی است و به دنبال تبیین نقش‌های حوزه علمیه در نسبت با تمدن مهدوی است.

روش استفاده‌شده در جمع‌آوری داده در این پژوهش، اسنادی-کتابخانه‌ای است و تلاش شده است تا با بررسی تفصیلی بیانات رهبر انقلاب اسلامی (در پایگاه khamenei.ir) و فحص کلیدواژه‌هایی همچون تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی، تمدن مهدوی، وظیفه منتظران، انتظار فرج، منتظر، مهدویت و موعود، همچنین مراجعه به کتب و مقالات مرتبط و تشکیل مفاهیم فراگیر، یک دسته‌بندی علمی و دقیق حاصل شود.

این پژوهش با تأکید بر اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بوده و از نظرات سایر اندیشمندان و فقها و فیلسوفان نیز به مناسبت استفاده شده است؛ تا بازنمایی کاملی از ترسیم

نقش حوزه‌های علمیه با تأکید بر تراش علمای سلف و با محوریت تبیین انضمامی از معارف اسلامی با شرایط روز جامعه - که در روش اجتهادی آیت‌الله خامنه‌ای مشهود است - باشد.

۳. پیشینه تحقیق

مطالعات و تحقیقات مختلفی درباره تمدن مهدوی و بایسته‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی انجام شده است. با این حال، بررسی دقیق و عمیق دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، درباره چگونگی نقش آفرینی معرفتی حوزه علمیه در رابطه با تمدن مهدوی، هنوز به طور جامع و نظام‌مند انجام نشده است.

تحقیقات گذشته عمدتاً دارای یکی از متغیرهای این پژوهش بوده‌اند و درباره نقش حوزه علمیه در زمینه‌سازی تمدن مهدوی، به‌ویژه با عطف به نظریات رهبر انقلاب اسلامی، کمتر تحقیق شده است: در کتاب فلسفه تمدن نوین اسلامی (غلامی، ۱۳۹۶) تعریف مختصات و مراحل تمدن نوین اسلامی و ادوار تاریخی تمدن اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. همچنین در مقاله‌های «حوزه و نقش بایسته آن در تمدن اسلامی» (آئینه‌وند، [بی‌تا])، «نقش حوزه‌های علمیه در حیات و استمرار تمدن اسلامی» (غفاری‌پور، ۱۳۹۳) «چیستی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و نقش حوزه‌های علمیه در تدوین آن» (الویری، ۱۳۹۱)، علاوه بر تفاوت در یکی از متغیرهای پژوهش پیش رو (حوزه علمیه)، تدوین آن‌ها با محوریت اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای انجام نشده است.

مقاله «نقش و جایگاه آموزه مهدویت در تحقق اهداف بیانیه گام دوم، با تأکید بر آموزه عدالت» نوشته رضا کفیلی و غلامرضا بهروزی لک، مقاله «تمدن نوین اسلامی در بستر امت دولت‌ساز در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی» به قلم عبدالهادی صالحی‌زاده و ابراهیم عباس‌پور، و مقاله «شاخص‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز ظهور» نوشته محمدمهدی حائری‌پور، به شاخصه‌های دولت مهدوی پرداخته‌اند؛ اما درباره چیستی و چگونگی نقش معرفتی حوزه علمیه، در رابطه با آرمان‌شهر مهدوی بحث مستقلی نشده است.

در سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه، عبارت‌های «تلاش جهت تحقق تمدن اسلامی براساس آیات قرآن کریم و آموزه‌های مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)»، «مرجعیت در تبیین و ترسیم

فرهنگ اصیل مهدویت»، «تداوم خط روشن امامت و ولایت مبتنی بر فرهنگ غدیر و مهدویت»، «پرچم‌داری استقرار حیات طیبه و تمدن اسلامی در عرصه جهانی» و «همکاری فعالانه با اندیشمندان و فرهیختگان جهان اسلام و ایفای نقش پیشگامانه برای تولید معرفت علمی موردنیاز برای احیای تمدن اسلامی» (شورای عالی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۵) درج و موردتصویب قرار گرفته است. به اقتضای سندنویسی، مفاهیم دارای ابعاد کلان و در کنار سایر مأموریت‌ها و اقدامات راهبردی متصور برای نهاد حوزه علمیه درج شده است.

۴. ادبیات نظری تحقیق

برای بررسی نقش معرفتی حوزه علمیه در زمینه‌سازی تمدن مهدوی از منظر رهبر انقلاب اسلامی، ابتدا باید به تعریف یا تحدید مفاهیم نقش، حوزه علمیه و تمدن پردازیم.

۴-۱. نقش

نقش شامل نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتاری است که از سوی جامعه به فرد یا افرادی که پایگاه اجتماعی خاص را اشغال می‌کنند، داده می‌شود (کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد، ۱۹۱۳: ۳۳). در برداشت کارکردگرایانه، نقش اجتماعی متشکل از هنجارهایی است که کنش یا موقعیت یا کارکردی خاص که یک فرد یا گروه در یک جمع دارند از آن تبعیت می‌کنند، تعریف می‌شود (گی‌روشه، ۱۳۷۰: ۴۵).

منظور ما در این پژوهش از نقش حوزه علمیه، جایگاه و مسئولیت‌ها و وظایفی است که حوزه علمیه در قبال زمینه‌سازی و تحقق تمدن مهدوی بر عهده دارد.

۴-۲. حوزه علمیه

منظور از حوزه علمیه در این تحقیق، عبارت است از: «نهادهای و مؤسساتی که نیروی انسانی فعال، صاحب‌نظران تحصیل‌کرده و رشدیافته در حوزه‌های علمیه و رسالت خود را اقامه دین و اعتلای کلمه توحید، مبتنی بر اجتهاد بر پایه قرآن، سنت نبوی ﷺ و مکتب اهل بیت  قرار داده باشند و بر این مبنا، مأموریت و هدفشان در راستای مصوبات شورای عالی حوزه است» (شورای عالی حوزه، ۱۳۹۹: ۹۹).

منظور ما در این تحقیق، نهاد حوزه علمیه است نه سازمان حوزه علمیه. نهاد حوزه فقط شامل نظام مدیریتی حوزه نمی‌شود، بلکه تمامی کنشگرانی را که در حوزه علوم انسانی با روش مألوف حوزه‌های علمیه در نظام تربیتی و درسی آموزش دیده و فعالیت می‌کنند، شامل می‌شود و گستره آن جهانی است. طبق این تعریف، تمامی گروه‌های علمی و پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی اقماری گرداگرد حوزه علمیه و حتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، که با حضور اساتید و دانشجویان طلبه تشکیل شده است، شامل تعریف حوزه‌های علمیه می‌شوند (استادیان خانی، مولوی وردنجان، ۱۳۹۱: ۹۶).

۳-۴. تمدن

واژه «تمدن» از لحاظ لغوی معانی متعددی دارد، در مورد ریشه لغوی «مدنیت» اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی آن را به «مدن»، به معنای اقامت گزیدن در مکانی، نسبت می‌دهند، در حالی که برخی دیگر، آن را به «دان» ریشه واژه دین، به معنای خاضع شدن و اطاعت کردن، مرتبط می‌دانند (امین، ۱۳۹۵: ۹۹). بر این اساس، این واژه معادل «شهرآیینی» و به معنای «حسن معاشرت» است. واژه تمدن از کلمه لاتین «Civilis» مشتق شده که برگرفته از «Civis» یا «Civitas» است (آشوری، ۱۳۹۳: ۹۳).

در اصطلاح، مفهوم تمدن از قرن هجدهم و عصر روشنگری به وجود آمد، هرچند واقعیت آن از گذشته موجود بوده است. در یک معنا، فرهنگ با تمدن مترادف انگاشته شده است. براساس این دیدگاه، تمدن یا فرهنگ، ترکیبی پیچیده از علوم، اعتقادات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و عادات و اعمالی است که انسان در جامعه کسب می‌کند (روح‌الامینی، ۱۳۹۱: ۲۳). نمود جلوه‌های مادی فرهنگ و تجسم آن در شهرنشینی، از دیگر معانی تمدن است.

دیدگاهی دیگر، برای تمدن معنایی فراگیر قائل است که علاوه بر جنبه نرم و فرهنگی حیات اجتماعی، عناصر اقتصادی، سیاسی، تکنیک‌ها، سازمان‌های اجتماعی و جنبه‌های سخت را نیز در بر می‌گیرد. بر این اساس، تمدن مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی است که قابل انتقال بوده و جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیبایی‌شناختی، فنی-علمی مشترک در یک

جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را شامل می‌شود (ساروخانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۱۱). برخی نیز مجموعه بزرگی از نظامات اجتماعی، مانند سیاست، اقتصاد، فرهنگ، حقوق و تربیت را، که از نظر جغرافیایی، یک واحد کلان را در یک قلمرو پهناور در بر می‌گیرند، به‌عنوان تمدن تعریف می‌کنند (آشوری، ۱۳۹۳: ۹۵۳).

علامه جعفری در تعریف تمدن می‌نویسد: «عبارت است از نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه، که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم‌مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه، موجب بروز و به فعلیت رسیدن استعدادهای سازنده آن باشد» (جعفری، ۱۳۹۳: ۵۹۹).

به نظر می‌رسد تمدن را باید یک پدیده سیستماتیک دانست. بر این اساس، «تمدن سیر و بسط یک نحو تفکر و ظهور آثار تفکر در مناسبات افراد و اقوام، در رفتار و کردار و علوم و فنون مردم است. این ظهورها آن‌چنان به هم پیوسته‌اند که جزئی را از جزء دیگر نتوان جدا کرد و کل این اجزا هم اصل و ریشه‌ای دارد یا اصل و ریشه‌ای داشته است» (کرمی قهی و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۳). هر تمدنی دارای سه لایه از فرهنگ است: فرهنگ بنیادی (شامل ارزش‌ها و باورها)، فرهنگ تخصصی (علوم نظری و عملی متناسب با ارزش‌ها) و فرهنگ عمومی (تجلی دو لایه قبل در سطح عینیت جامعه) (رحمت‌آبادی و آقابخشی، ۱۳۹۵: ۵۱).

با توجه به بیانات رهبر انقلاب اسلامی که بیان داشته‌اند: «وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت.» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴ / ۵ / ۲۸) در چگونگی رابطه تمدن با فرهنگ می‌توان بیان داشت: تمدن در واقع یک فضای قابلیت‌زای اجتماعی است که در آن امکان ظهور و بروز عینی اندیشه توحیدی و گفتمان دولت حقه کریمه در تمام ساحت‌های زندگی فردی، جمعی، اجتماعی و جامعه‌ای مسلمانان فراهم می‌شود و این اندیشه و گفتمان به صورت سبک زندگی فردی و الگوهای حکمرانی، مدیریتی، آموزشی و... در ساحت‌های هنر، ادبیات، معماری و... متجلی می‌شود.

۴-۴. تمدن اسلامی (مهدوی)

آرمان نظام جمهوری اسلامی نیز که تابعی از مقصد نهایی حکومت حضرت حجت علیه السلام است، در یک جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴/۶/۱۳۹۲). معنای این تمدن چیست؟ «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا، از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی، می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد. زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد؛ انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی یعنی این، هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.» (همان) اما این تمدن اسلامی چه ارتباطی با جامعه مهدوی در زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام دارد؟ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «تمدن اسلامی، به صورت کامل، در دوران ظهور حضرت بقیة‌الله - ارواحنا فداه - است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد.» (همان، ۱۴/۷/۱۳۷۹) باید توجه داشت که تمدن اسلامی امری مطلق نیست؛ فرایندی طولانی و نسبی است که اهداف آن نیز به صورت نسبی محقق می‌شود: «فرایند تحقق هدف‌های اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی، انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آن‌ها بسیار طولانی است.» (همان، ۲۱/۹/۱۳۸۰) بنابراین، تمدن اسلامی دو بخش دارد: بخشی که قبل از ظهور امکان تحقق دارد و زمینه‌ساز ایجاد جامعه مهدوی و ظهور حضرت حجت علیه السلام است و بخشی که پس از ظهور محقق می‌شود و حد اعلای تمدن اسلامی است؛ چنان‌که بیان داشته‌اند: «شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود - ارواحنا فداه - باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد؛ و الا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود.» (همان، ۱۰/۱۲/۱۳۶۸)

۵. نقش کانونی معرفت در شکل‌گیری تمدن

تمدن‌ها، به مثابه پیچیده‌ترین و پویاترین ساختارهای اجتماعی، همواره محصول تعامل

عوامل متعددی بوده‌اند. در میان این عوامل، معرفت به معنای آگاهی عمیق و جامع از جهان، انسان و روابط متقابل آن‌ها، جایگاه ممتازی دارد.

افلاطون، به عنوان یکی از بنیان‌گذاران فلسفه، معتقد بود که جامعه آرمانی باید بر پایه دانش و حکمت بنا شود. او فیلسوفان را به عنوان حاکمان ایده‌آل جامعه معرفی می‌کرد؛ زیرا آن‌ها به معرفت حقیقی دست یافته‌اند و قادرند براساس عقل و منطق حکومت کنند. درواقع، از نظر افلاطون، معرفت و خرد، پایه و اساس یک تمدن عادلانه و پایدار است (افلاطون، ۱۳۵۳: ۶۱).

فرانسیس بیکن، با تأکید بر روش علمی و تجربی، بر این باور بود که معرفت قدرت است و انسان با استفاده از دانش علمی می‌تواند بر طبیعت تسلط پیدا کرده و زندگی خود را بهبود بخشد. بیکن معرفت را ابزاری برای پیشرفت و توسعه تمدن‌ها می‌دانست و بر اهمیت تحقیق و نوآوری در این مسیر تأکید داشت (بیکن، ۱۳۹۲: ۸۴).

ماکس وبر، جامعه‌شناس شهیر آلمانی، با بررسی رابطه بین اخلاق پروتستانی و ظهور سرمایه‌داری، نشان داد که نظام‌های ارزشی و فرهنگی، که خود بر پایه نوع خاصی از معرفت شکل می‌گیرند، می‌توانند تأثیر به‌سزایی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع داشته باشند. وبر نقش معرفت را در تعیین مسیر توسعه تمدن‌ها بسیار مهم می‌دانست (وبر، ۱۳۷۳: ۱۰۲).

یورگن هابرماس، با تأکید بر نقش گفتگوی عقلانی و عمومی، معتقد است که معرفت صحیح از طریق بحث و گفت‌وگو بین افراد به دست می‌آید و این نوع معرفت می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای دموکراتیک و عادلانه کمک کند. هابرماس معرفت را نه تنها ابزاری برای پیشرفت، بلکه عاملی برای ارتقای آگاهی عمومی و مشارکت شهروندان در ساختن جامعه می‌داند (هابرماس، ۱۳۸۸: ۴۵).

ابن‌سینا، با تأکید بر اهمیت عقل و استدلال، معرفت را برترین فضیلت انسانی می‌دانست و معتقد بود که انسان با کسب دانش و معرفت، می‌تواند به کمال و سعادت دست یابد. ابن‌سینا نقش معرفت را در ارتقای فرد و جامعه بسیار مؤثر در نظر می‌گرفت (ابن‌سینا، ۱۴۰۳: ۸۳).

غزالی، با وجود انتقاداتی که به برخی از ابعاد فلسفه داشت، بر اهمیت معرفت دینی و اخلاقی تأکید داشت. او معتقد بود که معرفت واقعی، معرفتی است که انسان را به خدا نزدیک کند و او را در مسیر تقوا و اخلاق نیکو قرار دهد. غزالی معرفت را به منزله راهنمایی برای رسیدن به سعادت اخروی و دنیوی می‌دانست (غزالی، ۱۳۹۲: ۴۹).

ملاصدرا، با ارائه نظریه حکمت متعالیه، بر وحدت معرفت و وجود تأکید داشت. او معتقد بود که معرفت حقیقی، معرفتی است که هم جنبه عقلانی و هم جنبه شهودی و عرفانی داشته باشد و بتواند انسان را به درک عمیق تری از حقیقت هستی برساند. ملاصدرا معرفت را راهی برای رسیدن به کمال و قرب الهی می‌شمرد (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

علامه طباطبایی، با تأکید بر اهمیت معرفت دینی و نقش آن در جامعه، معتقد بود که معرفت دینی می‌تواند به انسان‌ها در درک هدف زندگی، ارزش‌های اخلاقی و راه رسیدن به سعادت کمک کند. ایشان معرفت دینی را عاملی برای ارتقای جامعه و شکل‌گیری تمدن اسلامی می‌دانست (علامه طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۱۰۸).

یکی از مفاهیم اصلی تمدن‌ساز در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دانش توأم با معنویت است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۲۹ / ۹ / ۱۳۸۳). ایشان در بررسی ادوار مختلف تاریخ اسلام، نگاهی دانشی داشته و زوال و صعود تمدن‌ها را براساس ارج و قرب دادن به علم ارزیابی کرده و اوج تمدنی را مساوی با سرآمدی علمی دانسته‌اند و همچنین بارها به مسئله علم‌آموزی غربی‌ها از دانش مسلمین و مصادره علوم جهان اسلام توسط اروپایی‌ها اشاره کرده‌اند (همان، ۱۱ / ۵ / ۱۳۹۵). در این جهان‌بینی، علم از دل دین می‌جوشد و علم با دین تنافی ندارد. به عبارت دیگر، معرفت زیرساخت تمدن اسلامی است و این نظام معرفتی، نه تنها منافاتی با علم ندارد، که خود باعث تولید علم و زمینه‌ساز زایش تمدنی است (همان، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۷۶). در دیدگاه ایشان، تمدن زندگی توأم با نظم علمی مطرح شده است (همان، ۲۹ / ۹ / ۱۳۸۳).

با بررسی دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان غربی و مسلمان، می‌توان به این نتیجه رسید که معرفت در شکل‌گیری تمدن، نقشی چندبعدی و اساسی ایفا می‌کند. معرفت، هم به منزله

ابزاری برای پیشرفت مادی و رفاه اجتماعی عمل می‌کند و هم به مثابه راهنمایی برای رسیدن به کمال و سعادت معنوی. اندیشمندان غربی بیشتر بر جنبه عقلانی و علمی معرفت تأکید کرده‌اند، در حالی که اندیشمندان اسلامی، علاوه بر جنبه عقلانی، بر جنبه‌های اخلاقی، معنوی و دینی معرفت نیز تأکید داشته‌اند. در نهایت، می‌توان گفت که تمدن‌های پایدار و پیشرو، تمدن‌هایی هستند که بر پایه معرفتی جامع و متوازن شکل گرفته‌اند. این نوع معرفت، هم شامل دانش علمی و عقلانی است و هم شامل ارزش‌های اخلاقی و معنوی، که به جامعه جهت می‌دهند.

۶. ابعاد نقش آفرینی معرفتی حوزه علمیه در زمینه‌سازی و شکل‌گیری تمدن مهدوی

تمدن مهدوی، به مثابه غایت تمدن اسلامی، نقطه اوج تحقق عدالت جهانی، معنویت و رهایی از ظلم و استکبار است. این تمدن، با استناد به آموزه‌های قرآن و سنت، جامعه‌ای ایده‌آل را نوید می‌دهد که در آن، انسان‌ها به حقیقت توحید، عدل و کمال انسانی دست می‌یابند. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، مهدویت را نه تنها یک باور دینی، بلکه یک نظام فکری جامع می‌داند که توانایی هدایت جامعه به سوی تعالی را دارد. در این میان، حوزه علمیه در جایگاه نهاد اصلی تولید معرفت دینی، نقشی محوری در آماده‌سازی جامعه برای تحقق این تمدن دارد.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید دارند که حوزه علمیه باید محور اصلی تبیین و ترویج معارف اسلامی، از جمله مهدویت، باشند و با ابزارهای نوین و دیدگاه‌های عمیق، جامعه را برای ظهور آماده کند. از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نگاه امروز به سوی عالمان دینی و روشنفکران جهان اسلام است و حوزه‌های علمیه هستند که می‌توانند زیرساخت‌های تمدن اسلامی را ایجاد کنند. از این منظر، حوزه علمیه محیط علمی زایش تمدن نوین اسلامی است که با تکیه بر منابع دینی و دلالت‌های عقل نظری و عقل عملی، در راستای سعادت دنیوی و اخروی انسان تلاش می‌کند (رک: خامنه‌ای، بیانات، ۸/۱۰/۱۳۹۴).

دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی پیرامون نقش معرفتی حوزه علمیه در زمینه‌سازی تمدن مهدوی را می‌توان در دو بُعد اساسی نقش تبیینی و نقش پاسخگویانه بررسی کرد. این دو

کلان‌نقش، حوزه علمیه را در نقش بازیگر اصلی در مسیر تحقق وعده الهی مهدویت معرفی می‌کند و این نقش‌آفرینی، اساس حرکت حوزه علمیه به سوی ایفای نقش تمدن‌ساز است. هریک از این ابعاد، در مراحل بعدی به تفصیل بررسی خواهند شد.

۱-۶. نقش تبیینی حوزه علمیه در بُعد معرفتی شکل‌گیری تمدن مهدوی

از وظایف اساسی حوزه علمیه، تبیین مفاهیم بنیادین و ارائه چارچوب نظری دقیق برای مفاهیمی چون مهدویت و تمدن مهدوی است. رهبر انقلاب اسلامی تأکید دارند که حوزه علمیه باید در تولید دانش و تبیین معرفتی نقشی محوری ایفا کند.

در این راستا، حوزه باید در محورهای تبیین مفهوم مهدویت، تبیین ابعاد مختلف تمدن مهدوی و جایگاه آن در تاریخ، تبیین نسبت مهدویت با سایر مفاهیم اسلامی، تبیین و ترویج فرهنگ انتظار پویا و مسئولانه و... فعالیت کند.

۱-۱-۶. تبیین مفهوم مهدویت بر پایه منابع اصیل اسلامی

مهدویت از اساسی‌ترین باورهای اسلامی است که براساس آموزه‌های قرآن و سنت، بشارت‌دهنده برپایی عدالت جهانی است. حوزه علمیه باید با استفاده از منابع اصیل اسلامی، تعریفی جامع و دقیق از مهدویت ارائه دهد که در آن نقش امام زمان (عج) به‌عنوان منجی بشریت و حجت خداوند بر زمین تبیین شود و اهداف ظهور، شامل برپایی عدالت، تحقق توحید و نجات مستضعفان شرح داده شود. از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در مسئله مهدویت، اولویت تحقیق با مسائلی همچون طول عمر حضرت ولی عصر (عج) و مسائلی از این قبیل نیست، بلکه مسئله تشخیص حضرت و اثبات اینکه مهدی موعود، فرزند امام حسن عسکری (عج) است، اولویت دارد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۳ / ۱۰ / ۱۳۷۵) که این حی و ناظر بودن امام در اعتقادات شیعه، نه تنها ابهام‌زا است، که این تشخیص حرکت‌دهنده و امیدبخش است.

۲-۱-۶. تشریح ابعاد مختلف تمدن مهدوی و جایگاه آن در تحولات تاریخی

تمدن مهدوی، به مثابه نقطه اوج تمدن اسلامی، ابعادی گسترده و تحول‌آفرین دارد که حوزه علمیه باید آن‌ها را تبیین کند. در بُعد معرفتی تمدن مهدوی، معرفت دینی در بالاترین سطح

خود قرار می‌گیرد و انسان‌ها به حقیقت توحید و عدل دست می‌یابند. در سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، حرکت انسان پیش از ظهور، به حرکت در پیچ‌وخم کوه‌ها و لجن‌زارها، و حرکت تکاملی انسان پس از ظهور، به حرکت در بزرگراه تشبیه شده است. به عبارت دیگر، حیات اصلی و حقیقی انسانیت، در عهد ظهور محقق می‌شود (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۲/۲۱).

منتظران در بُعد اجتماعی و سیاسی، برپایی حکومتی جهانی را که بر مبنای عدالت و معنویت استوار است، متوقع هستند؛ باور به مهدی موعود و موضوع عهد ظهور و فرج و انتظار آن، گنجینه عظیمی است که می‌توان از آن بهره‌های فراوانی برد. یکی از آن موارد، در میدان زندگی اجتماعی و عمومی است و آن عبارت است از: کنشگری به هنگام در ساخت سرنوشت بشر و ملت‌ها (رک: همان، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷).

در بُعد تاریخی، تمدن مهدوی، به منزله نقطه پایانی در تکامل تاریخ بشریت، باطل‌کننده سلطه جویی و ظلم است. تکامل بشریت در دنیا، در دوران ظهور محقق می‌شود. یک منتظر، به وضع موجود راضی نبوده و امیدوار به تحقق عدالت و رفع کامل ابعاد مختلف تبعیض علیه بشریت و مخالف با انواع ستم و جنایات علیه بشریت بوده و برای تحقق وضع مطلوب می‌کوشد و مبارزه می‌کند. پس منتظران حقیقی به وضعیت موجود قانع نیستند. شاخصه وضعیت موجود در حال حاضر نیز همان ظلم و جور است که در دنیا وجود دارد و با ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و استقرار عدالت کامل برطرف می‌شود (همان: ۱۱/۱۳۶۹/۱۲).

از حیث آینده‌پژوهی از منظر دینی، زندگی اصلی بشر از دوران ظهور آغاز می‌شود. به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی: «بشریت دارد همین طور این راه را طی می‌کند تا به اتوبان برسد. این اتوبان، دوران مهدویت است، دوران ظهور حضرت مهدی -سلام‌الله‌علیه- است. این جور نیست که وقتی به آنجا رسیدیم، یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود؛ نه، آنجا یک مسیر است. در واقع، باید گفت زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آنجا آغاز می‌شود و بشریت تازه می‌افتد در راهی که این راه یک صراط مستقیم است و او

را به مقصد آفرینش می‌رساند؛ «بشریت» را می‌رساند، نه آحادی از بشریت را، نه افراد را، مجموعه‌ها را می‌رساند.» (همان، ۱۳۹۳/۳/۲۱)

۳-۱-۶. تبیین رابطه مهدویت با سایر مفاهیم اسلامی

مهدویت، به منزله یکی از اصول بنیادین تفکر اسلامی، با مفاهیم دیگری همچون توحید، عدالت، نبوت و امامت در ارتباط است و حوزه علمیه باید این روابط را روشن سازد. در پیوند مهدویت و توحید، می‌توان بیان داشت که ظهور امام عصر علیه السلام تجلی کامل اراده الهی در حاکمیت عدل و توحید بر جهان است (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۲۴). در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، تشکیل جامعه توحیدی و حاکمیت اسلام از مصادیق فرج نهایی است که با ظهور حضرت مهدی علیه السلام محقق می‌شود (رک: آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۹/۳).

از سوی دیگر، مهدویت استمرار رسالت پیامبران و تحقق وعده الهی به انسان‌ها و تحقق اهداف نبوت است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «مسئله مهدویت در شمار چند مسئله اصلی، در چرخه و حلقه معارف عالی‌ه دینی است؛ مثل مسئله نبوت، مثلاً اهمیت مسئله مهدویت را در این حد باید دانست. چرا؟ چون آن چیزی که مهدویت مبشر آن هست، همان چیزی است که همه انبیا، همه بعثت‌ها برای خاطر آن آمدند و آن، ایجاد یک جهان توحیدی و ساخته‌وپرداخته براساس عدالت و با استفاده از همه ظرفیت‌هایی است که خدای متعال در انسان به وجود آورده و قرار داده. یک چنین دورانی است دیگر، دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام» (همان، ۱۳۹۰/۴/۱۸)

در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، مهدویت آن‌چنان مسئله محوری و کانونی است که اگر نباشد «معنایش این است که همه تلاش انبیا، همه این دعوت‌ها، این بعثت‌ها، این زحمات طاقت‌فرسا، این‌ها همه‌اش بی‌فایده باشد، بی‌اثر بماند.» (همان، ۱۳۹۰/۴/۱۸)

مفهوم مهدویت با عدالت درهم‌تنیده شده است و امام عصر علیه السلام محور اقامه عدل و رفع ظلم از جهان است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲: ۲۰۰)؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت اساسی‌ترین و بلکه پرچلوه‌ترین خصوصیت حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، برچیدن ظلم و فساد از چهره هستی و برقراری و گسترش عدالت است. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

«مأموریت بزرگ حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - عبارت است از: «يَمَلَأُ اللَّهُ بِهٖ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»؛ مأموریت بزرگ آن بزرگوار، قسط و عدل است. در بسیاری از روایات، در دعاها، در زیارت‌ها به این معنا اشاره شده است.» (همان، ۱۳۹۹ / ۱ / ۲۱)

۴-۱-۶. ترویج فرهنگ انتظار پویا و مسئولانه

حضرت آیت الله خامنه‌ای بر ترویج معنای صحیح «انتظار» تأکید دارند؛ انتظاری که با عمل و تلاش برای تحقق عدالت همراه است. در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، «مسئله انتظار... از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی، به سمت اهداف والای اسلام است.» (همان، ۱۳۹۰ / ۴ / ۱۸) این واژه بنیادین، دارای معنای تمدن‌سازانه است؛ زیرا «انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ای است.» (همان، ۱۳۸۴ / ۶ / ۲۹) یک معنای «انتظار، انتظار فرج نهایی است» (همان، ۱۳۸۴ / ۶ / ۲۹)؛ «یعنی انتظار فرج حضرت ولی عصر علیه السلام، این یک مصداق از انتظار فرج است» (همان، ۱۳۹۹ / ۱ / ۲۱)؛ «یعنی این آینده حتمی و قطعی است، به خصوص انتظار یک موجود حی و حاضر» (همان، ۱۳۹۰ / ۴ / ۱۸)؛ «لیکن انتظار فرج، مصداق‌های دیگر هم دارد. وقتی به ما می‌گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل‌گشوده شدن است.» (همان، ۱۳۸۴ / ۶ / ۲۹) به عبارت بهتر، «وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج، متوقع و مورد انتظار است.» (همان)

حوزه علمیه با برگزاری دوره‌های آموزشی، مجالس وعظ و سخنرانی و ترویج این مفهوم، می‌تواند جامعه را به سوی انتظاری فعال و سازنده هدایت کند و مانع ترویج معنای انتظار به معنای بی‌عملی، غفلت از اوضاع جهان و عافیت طلبی، یا تفسیر نادرست از انتظار، به معنای عدم تلاش برای اصلاح جامعه در مقابل فاسدان و ظالمان، شود.

تیین معنای صحیح از انتظار این اهمیت را دارد که برخی انتظار را نه به معنای سازنده آن - که امید به آینده و تلاش برای فائق آمدن بر مشکلات است - بلکه آن را به معنای تخدیری و

آرام‌کننده در برابر نارسایی‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ترویج می‌کنند؛ که نتیجه آن، تسلیم شدن در برابر مستکبران و دست بسته شدن در مقابل استعمارگران است. نتیجه چنین رویکردی، جدایی سیاست از دیانت است که امام خمینی علیه السلام به شکل صریحی از آن انتقاد کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۷: ۸۸).

تمدن نوین اسلامی، ساختنی است. به عبارت دیگر، تمدن نوین اسلامی هم اثباتاً و هم ثبوتاً قابل ایجاد است. ساخت تمدن، علاوه بر باور به امکان تحقق آن، نیازمند همت و اراده و تلاش و مجاهدت است. در این رقابت تمدنی، حاشیه‌نشینی و گوشه‌گیری، نه تنها باعث مصونیت نشده، که انزوا را به همراه خواهد آورد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳/۹/۱۳۹۱). امید و نشاط و نگاه روشن به آینده، اتکا به نیروهای داخلی، ایمان به شعار «ما می‌توانیم» و پرهیز از ناامیدی و نیفتادن در دام جنگ روانی رسانه‌ای دشمن، از لوازم حرکت در مسیر تمدنی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷) که نیازمند ترویج، ادبیات‌سازی و جریان‌سازی است.

۵-۱-۶. تشریح تشکیل انقلاب اسلامی به منزله مقدمه تمدن مهدوی از آنجاکه «انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان علیه السلام آماده کنیم... ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان علیه السلام خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. اعتقاد به امام زمان به معنای گوشه‌گیری نیست.» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۳۰/۷/۱۳۸۱) بنابراین، انتظار فرج تکالیفی بر دوش منتظران می‌گذارد؛ از جمله آماده‌سازی زمینه اقدام ایشان، «شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود - ارواحنا فداه - باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود.» (همان، ۱۰/۱۲/۱۳۶۸) و «ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود - ارواحنا فداه - زمینه باید آماده بشود و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است.» (همان، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰) به بیان دیگر، حرکت در همان مسیری که حضرت

برای تحقق آن‌ها، روزی ظهور خواهند کرد. «ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته ما کوچک‌تر از آن هستیم که بتوانیم آن‌گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت بنا کنیم، اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم.» (همان، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲) به تعبیر امام خمینی^ع: «انقلاب ما، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچم‌داری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است.» (امام خمینی، ۱۳۶۷: ۱۰۸) نکته‌ای که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر آن تأکید دارند: «تشکیل نظام جمهوری اسلامی، یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والا است.» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۵/۲۷)

فهم مقدمه بودن انقلاب برای تمدن مهدوی، از این رو مهم است که در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فرایند جامعه روبه تکامل است و یک تمدن پویا، به سمت تعالی حرکت می‌کند (رک: همان، ۱۳۸۳/۶/۲۵) و تمدن اسلامی حاصل یک فرایند مدرج و مرحله‌بندی شده است که هر مرحله الزاماتی دارد که باید محقق شود و بدیهی است که بدون تحقق مرحله قبل، مرحله تکمیلی بعدی امکان‌پذیر نخواهد بود (رک: همان، ۱۳۸۰/۹/۲۱).

۶-۱-۶. روشن ساختن وظایف منتظران در مواجهه با مدرنیته غربی و مبارزه با مستکبران رسیدن به تمدن اسلامی، مستلزم شناخت تمدن رقیب و عناصر تشکیل دهنده آن است. در شناخت عناصر تمدن رقیب، باید دستاوردهای مثبت و تحولات و اختراعات و ابتکارات را اخذ کرده و از آنان بیاموزیم و از سوی دیگر، عناصری را که منبعث از نگرش فلسفی، همچون اومانیسیم و سکولاریسم و پراگماتیسم و... است، شناخته و آنان را طرد کرد (همان، ۱۳۹۴/۸/۱۰). در کنار شناخت تمدن غرب، باید توجه داشت که این تمدن در کنار گزاره‌های علمی و معرفتی و رسیدن به نتایج عینی اقتصادی و اجتماعی، دارای بُعدی ایدئولوژیک است که رسیدن به منافع اقتصادی را با هر روشی، از جمله تسلط غیرمشروع انسان بر انسان‌های دیگر و همچنین تسلط بی‌حدومرز انسان بر طبیعت را توجیه می‌کند و از همین مسیر بوده است که غرب با دست‌اندازی به منافع کشورهای آسیایی و آفریقایی و... آنان را

مستعمره خود کرد؛ که این مرحله شامل تسلط عینی و فیزیکی بر سرزمین مستعمره بوده است. این درون مایه غیراخلاقی در تمدن غرب، مایه زوال آن‌ها شده است که در تمدن اسلامی، اخلاق، جایگزین اعمال خلاف حقوق انسان‌ها و عدالت، جای ظلم را خواهد گرفت (همان، ۱۳۸۷/۶/۵). غرب‌شناسی یکی از اقتضائات مهم فهم تمدنی از اسلام است و اینکه چگونه غرب از مرحله استعمار کهن به استعمار نو و سپس استعمار فرانو رسیده است، کمک می‌کند تا اسلام‌پژوه به اقتضائات مطالعات خویش توجه داشته باشد و از سوی دیگر، مرعوب نظریه‌های غربی که در کانتکس مفهومی لیبرالی یا سوسیالیستی زاده شده است، گرفتار نشود (همان، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

حوزه علمیه زمینه ساز تمدن مهدوی، متوجه کید و نیرنگ استعمار است و براساس سیره سلف علمای گذشته، همواره مراقبت می‌کند تا استعمار و ایادی آنان در قالب‌های مختلف، نفوذ نکرده و امیال لیبرالی خود را در جامه توجیحات دینی به مردم حقه‌کنند (امام خمینی، ع). از این منظر، عالم حوزه تمدن‌ساز، میان دوست و دشمن تفاوت قائل شده و در تبیین علمی ارزش‌های اسلامی، همچون «وحدت»، «مصلحت امت اسلام» و «استقلال» کوشا است و تکفیر و افراط را طرد می‌کند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۱/۵/۱۳۹۵) و بر اصول خود پافشاری می‌کند و مرعوب نسخه‌های غربی نخواهد شد (همان، ۱۳۹۰/۶/۲۶).

با این نگرش، از مهم‌ترین وظایف منتظران در دوران غیبت، آمادگی و خودسازی، در کنار مبارزه با مستکبران و زورگویان است. «بزرگ‌ترین وظیفه منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند.» (همان، ۱۳۸۱/۷/۳۰) بنابراین، «ما که انتظار فرج داریم، انتظار ظهور حضرت بقیه‌الله را داریم، باید در این راه تلاش کنیم. باید تلاش کنیم در راه ایجاد جامعه مهدوی؛ هم خودسازی کنیم، هم به قدر توانمان، به قدر امکانمان، دگرسازی کنیم و بتوانیم محیط پیرامونی خود را به هراندازه‌ای که در وسع و قدرت ما است، به جامعه مهدوی نزدیک کنیم؛ که جامعه مهدوی، جامعه قسط

است، جامعه معنویت است، جامعه معرفت است، جامعه برادری و اخوت است، جامعه علم است، جامعه عزت است.» (همان، ۱۳۹۹/۱/۲۱)

۲-۶. نقش پاسخگویی حوزه علمیه در بُعد معرفتی شکل‌گیری تمدن مهدوی

نقش پاسخگویی حوزه‌های علمیه در تبیین معارف اسلامی و مقابله با شبهات پیرامون آن، از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بسیار حائز اهمیت است. ایشان تأکید دارند که حوزه‌های علمیه باید با بهره‌گیری از منابع اصیل اسلامی و روش‌های نوین، به شبهات و ابهامات مرتبط با مهدویت پاسخ دهند و از انحرافات جلوگیری کنند.

۱-۲-۶. پاسخ‌گویی به شبهات

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر لزوم پاسخگویی به شبهات دینی، به‌ویژه در حوزه مهدویت، تأکید دارند. ایشان در این باره بیان داشته‌اند: «الان چیزی که در دنیا زیاد مطرح است، غالباً شبهات توحید نیست. می‌دانید، یک‌وقتی شبهات خداشناسی و توحید و اصل دین مطرح بود؛ حالا این چیزها خیلی در دنیا مطرح نیست؛ لکن شبهات گوناگون دیگری مطرح است: شبهات مربوط به امام زمان الان مطرح است، شبهات مربوط به عقاید شیعی - از ناحیه وهابی‌ها - الان مطرح است.» (همان، ۱۳۶۸/۱۲/۲۷)

در مقابل شبهات، حوزه‌های علمیه باید با تجهیز خود به دانش روز و آگاهی از روش‌های نوین تبلیغی، به مقابله با این شبهات بپردازند. به تعبیر رهبر انقلاب، از آنجاکه «بعضی از شبهات امروز، همان شبهات قدیمی است که لباس نو به آن می‌پوشانند...، اما بعضی اوقات هم شبهات جدیدی است؛ این‌ها را باید بشناسیم، این‌ها را باید بدانیم؛ این‌ها کارهای حوزه‌های علمیه است و حوزه‌های علمیه به این کارها باید وارد بشوند.» (همان، ۱۳۹۵/۶/۱۶)

۱۳۹۵) برای نمونه، یکی از شبهات در مورد امام مهدی علیه السلام، استبعاد عمر طولانی امام زمان علیه السلام است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به شیوه قرآنی به آن پاسخ داده‌اند: «منجی آخرالزمان مورد اتفاق همه ادیان ابراهیمی است... بعضی استبعاد کرده‌اند که چگونه ممکن است انسانی متولد بشود و در این زمان طولانی زنده بماند...؛ لکن قرآن کریم با نص صریح خود، این استبعاد را برطرف می‌کند. درباره حضرت نوح پیغمبر علیه السلام می‌فرماید: «فَلَبِثَ فِيهِمْ

ألف سنة إلا خمسين عاماً؛ نوح در میان قوم خود ۹۵۰ سال زندگی کرده است (عنکبوت: ۱۴). نه اینکه عمر او این مقدار بود، ظاهر مطلب این است که دوران دعوت آن بزرگوار ۹۵۰ سال است. بنابراین، این استبعاد جایی ندارد.» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴/۳/۱۳۹۴)

۲-۲-۶. تصحیح انحرافات و برداشت‌های نادرست از مهدویت

اندیشه مهدویت، به دلیل امیدسازی و ایجاد توان در آینده، یک تفکر قدرت‌ساز است که توان گذر دادن جامعه شیعی از تنگناها و سختی‌های روزگار را داشته و موعودباوری، به ویژه اعتقاد به امام زنده و حی و ناظر، به حیات بالنده و پویای شیعه کمک فراوانی کرده است. همین هژمونی و قدرت افزا بودن موعودباوری باعث شده تا در طول تاریخ، این اندیشه از سوی برخی از دگراندیشان دچار تحریف یا سوءبرداشت یا التقاط شود؛ که نقش حوزه علمیه، ارائه اسلام ناب محمدی ص است.

بعضی از افراد، با استناد به ظاهر برخی از روایات، این گونه برداشت کرده‌اند که هر قیامی، پیش از قیام امام مهدی ص، محکوم و مردود است. در پاسخ باید گفت: «فرض می‌کنیم که یک همچو روایاتی باشد؛ آیا معنایش این نیست که تکلیفمان دیگر ساقط است؟ یعنی خلاف ضرورت اسلام. خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر معصیت بکنیم تا پیغمبر بیاید، تا حضرت صاحب بیاید؟ حضرت صاحب که تشریف می‌آورند، برای چه می‌آیند؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای اینکه فساد را از بین ببرند. ما برخلاف آیات شریفه قرآن، دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را، برای اینکه حضرت بیایند؟» (همان، ۱۴/۱/۱۳۶۷).

از دیگر برداشت‌های غلط از روایات مهدویت، توقیت است که بعضی به دنبال تعیین زمان برای ظهور هستند که در روایات پیشوایان دینی، از تعیین وقت برای ظهور به شدت نهی شده است و وقت‌گذاران، دروغ‌گو شمرده شده‌اند (رک: طوسی، ۱۳۷۰: ۴۲۶).

نشان دادن چهره خشونت‌آمیز از امام مهدی ص، استعجال ظهور، طرح مباحث غیرضروری (از قبیل ازدواج حضرت، وجود فرزند برای آن بزرگوار، محل زندگی حضرت و

مانند آن) و تطبیق علائم ظهور بر مصادیق خاص (رک: بالادستیان، ۱۳۹۳: ۳۶ و جعفری، ۱۳۸۶: ۵۹)، از جمله برداشت‌های نادرست در زمینه مهدویت است که لازم است کارشناسان حوزوی با رصد دقیق و به موقع، آن‌ها را شناسایی و به جامعه هشدار دهند.

۳-۲-۶. مقابله با جریان‌های انحرافی سوءاستفاده‌کننده از مهدویت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر لزوم مقابله با جریان‌های انحرافی که از مفهوم مهدویت سوءاستفاده می‌کنند، تأکید دارند: «از جمله چیزهایی که می‌تواند یک خطر بزرگ باشد، کارهای عامیانه و جاهلانه و دور از معرفت و غیرمتکی به سند و مدرک در مسئله مربوط به امام زمان علیه السلام است؛ که همین زمینه را برای مدعیان دروغین فراهم می‌کند. کارهای غیرعالمانه، غیر مستند، غیرمتکی به منابع و مدارک معتبر، صرف تخیلات و توهمات؛ این جور کاری مردم را از حالت انتظار حقیقی دور می‌کند، زمینه را برای مدعیان دروغ‌گو و دجال فراهم می‌کند؛ از این بایستی به شدت پرهیز کرد.» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۸/۴/۱۳۹۰)

همچنین در اندیشه ایشان، اینکه «کسی ادعا کند که من خدمت حضرت می‌رسم یا صدای ایشان را می‌شنوم، ابداً این جور نیست. غالب آنچه که در این زمینه گفته می‌شود، ادعاهایی است که یا دروغ است، یا طرف دروغ هم نمی‌گوید، تصور می‌کند، تخیل می‌کند...، نبایستی تسلیم این‌ها شد. راه درست، راه منطقی، آن توسل، توسل از دور است؛ توسلی است که امام آن را از ما می‌شنود، ان شاء الله می‌پذیرد...» (همان، ۱۸/۴/۱۳۹۰) براساس اندیشه ایشان، جریانی که ادعای نیابت خاص و ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام را دارند، به هیچ وجه مقبول و پذیرفتنی نیست.

حوزه‌های علمیه باید با استناد به منابع معتبر و با استدلال و برهان، به نقد مدعیات جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت پرداخته و با جریان‌های مدعی وکالت، سفارت، بابت، نیابت، ادعای ملاقات، مشاهده و رؤیت، ادعای ارتباط (در خواب، رؤیا و...)، ادعای مکاتبه، تطبیق نشانه‌های ظهور بر خود و ادعای همسری (رک: صفری فروشانی، ۱۳۹۳: ۵۴) مقابله علمی به موقع و مواجهه فرهنگی هوشمندانه کند. این گونه ادعاهای دروغین نه تنها راهگشا نبوده، بلکه به دلیل ایجاد اختلاف و تفرقه و گرفتن توان فکری و عملی پیروان مهدویت، از موانع

دستیابی به تمدن مهدوی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، ایجاد فرق انحرافی و رخ‌نمایی مدعیان دروغین، از آسیب‌های نیل به تمدن مهدوی ﷺ است که حوزه علمیه با روشنگری و بصیرت‌افزایی و بالا بردن افق فکری جامعه دینی، می‌تواند مصونیت‌سازی کرده و به استحکام مبانی اعتقادی و در نتیجه، تقویت فرهنگ متعالی انتظار بپردازد.

۷. پیشنهادها

با روشن شدن ابعاد کلان نقش‌آفرینی حوزه علمیه در زمینه‌سازی تمدن مهدوی، مستند به بیانات رهبر انقلاب اسلامی، پیشنهادهای علمی و عملی ارائه شده در این بخش، حاصل تحلیل کارشناسانه و بررسی‌های تکمیلی بوده که برای تطبیق با نیازهای عملیاتی و به سوی تحقق ابعاد تشریح‌شده در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، تدوین شده‌اند.

۷-۱. پیشنهادهای علمی (نظری)

۱. تدوین چارچوب نظری جامع برای مهدویت و تمدن مهدوی، براساس اصول تبیین‌شده حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
۲. تقویت مطالعات بین‌رشته‌ای: از طریق ایجاد زمینه‌های پژوهش میان‌رشته‌ای برای بررسی رابطه مهدویت با موضوعات مختلف، همچون سیاست، فرهنگ، جامعه‌شناسی، علوم ارتباطات و ...
۳. طراحی سرفصل‌های آموزشی ویژه: با تدوین دروس ویژه مهدویت در سطوح مختلف حوزه علمیه، شامل ابعاد فلسفی، تاریخی و اجتماعی تمدن مهدوی، براساس اندیشه امامین انقلاب.
۴. آسیب‌شناسی موانع تحقق تمدن مهدوی: با تحلیل علمی و ریشه‌ای جریان‌های انحرافی مرتبط با مهدویت و ارائه چارچوبی برای اصلاح تفکرات نادرست.

۷-۲. پیشنهادهای عملی (کاربردی)

۱. برگزاری دوره‌های آموزشی (کوتاه مدت و بلندمدت) برای طلاب حوزه‌های علمیه: از طریق ارائه کارگاه‌ها، دوره‌های آموزشی و همایش‌های عمومی و تخصصی، برای افزایش آگاهی نسبت به چیستی و چگونگی نقش حوزه در تمدن‌سازی مهدوی.

۲. ایجاد شبکه‌های تبلیغی مؤثر: با استفاده از تبلیغ نوین (مانند شبکه‌های اجتماعی، مستندها و فیلم‌های آموزشی) برای ترویج معارف مهدوی و پاسخ به شبهات، در راستای تأکيدات رهبر انقلاب اسلامی.
 ۳. طراحی و اجرای برنامه‌های فرهنگی: با برگزاری برنامه‌های فرهنگی و هنری، مانند نمایشگاه‌ها، کتابخانه‌های تخصصی، مسابقات فرهنگی و تولید محتواهای هنری، برای ترویج فرهنگ صحیح انتظار.
 ۴. رصد و مقابله با جریان‌های انحرافی: از طریق تأسیس واحدهای ویژه در حوزه علمیه، برای رصد شبهات، مقابله هوشمندانه و دقیق با جریان‌های انحرافی و ارائه پاسخ‌های علمی و مستدل.
 ۵. ارتباط با نخبگان علمی: برقراری ارتباط با اندیشمندان و نخبگان سایر کشورها و ادیان، برای معرفی آموزه‌های مهدوی و گسترش گفتمان تمدن مهدوی در سطح بین‌المللی، ازسوی طلاب مسلط به زبان‌های خارجی و دانش‌آموختگان جامعه المصطفی.
 ۶. تشکیل تیم‌های تبلیغ میدانی: اعزام مبلغان متخصص به مناطق مختلف برای آموزش و تبلیغ معارف مهدوی، به صورت میدانی و چهره‌به‌چهره، به ویژه به مناطق و مراکز که درگیر عرفان‌واره‌های کاذب یا مدعیان دروغین شده‌اند.
- این پیشنهادها می‌توانند در کنار یکدیگر، نقشه راه جامعی برای تقویت نقش‌آفرینی حوزه علمیه در شکل‌گیری تمدن مهدوی ارائه دهند.

نتیجه‌گیری

بررسی نقش معرفتی حوزه علمیه در شکل‌گیری تمدن مهدوی، با تأکید بر اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نشان می‌دهد که حوزه علمیه در نقش نهادی محوری و بنیادین در تربیت عالمان دینی و تبیین اندیشه‌های اسلامی، مسئولیت ویژه‌ای در زمینه‌سازی برای تحقق این تمدن الهی بر عهده دارد. اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به مثابه یک چارچوب راهبردی، راهنمای حوزه علمیه در زمینه‌سازی تمدن مهدوی عج محسوب می‌شود. براساس دیدگاه‌های ایشان، حوزه علمیه باید در فعالیت‌های خود، هم به بُعد آفندی

تبیین و گسترش معارف مهدوی) و هم به بُعد پدافندی (مقابله با انحرافات و شبهات) توجه داشته باشد.

نقش تبیینی حوزه علمیه، شامل تبیین مفهوم مهدویت بر پایه منابع اصیل اسلامی، تشریح ابعاد مختلف تمدن مهدوی و جایگاه آن در تحولات تاریخی، تبیین نسبت مهدویت با سایر مفاهیم اسلامی، ترویج فرهنگ انتظار پویا و مسئولانه، تشریح تشکیل انقلاب اسلامی به منزله مقدمه تمدن مهدوی، روشن ساختن وظایف منتظران در مواجهه با مدرنیته غربی و مبارزه با مستکبران است. در این راستا، حوزه می‌تواند با عمق بخشی به مطالعات پژوهشی و ارتقای ظرفیت‌های آموزشی خود، زمینه را برای توسعه معرفت صحیح و اصیل مهدوی فراهم کند.

نقش پاسخگویانه حوزه علمیه، به وظیفه آن در مقابله با شبهات، تصحیح انحرافات و برداشت‌های نادرست از مهدویت، و مقابله با جریان‌های انحرافی سوءاستفاده‌کننده از مهدویت اشاره دارد. حوزه علمیه باید با رویکردی فعال و هوشمندانه، ضمن پاسخگویی به چالش‌های فکری و فرهنگی، از سوءاستفاده جریان‌های انحرافی از مفهوم مهدویت جلوگیری کند و بنیان‌های اعتقادی جامعه را تقویت سازد.

حوزه علمیه با ایفای نقش حداکثری، فعال، پویا و هوشمندانه، می‌تواند زمینه ساز شکل‌گیری و تحقق تمدن مهدوی شود. این امر نه تنها یک ضرورت دینی، بلکه وظیفه‌ای تاریخی برای تقویت بنیان‌های معرفتی جامعه اسلامی و پیش‌برد آرمان ظهور است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

ابن سینا (۱۴۰۳). برهان شفا. (مهدی قوام صفری، مترجم). تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

استادیان‌خان، علیرضا، و مولوی وردنجانی، عیسی (۱۳۹۱). بررسی نقش حوزه علمیه در ساخت بُعد معرفتی تمدن اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. پژوهشنامه علمی تمدن اسلامی و دین‌پژوهی، ۱-۲۰.

آشوری، داریوش (۱۳۹۳). دانشنامه سیاسی. تهران، مروارید.

افلاطون (۱۳۵۳). جمهوری. (محمدحسن لطفی، مترجم). بی‌تا، تهران، ابن سینا.

امین، حسن (۱۳۹۵). دایرة المعارف ایران. تهران، دایرة المعارف ایران. آئینه‌وند، صادق [بیتا]. حوزه و نقش بایسته آن در تمدن اسلامی. نشریه پژوهش و حوزه، ۴ (۱۵)، ۸۵-۹۸.

بالادستیان، محمدامین (۱۳۹۳). نگین آفرینش. قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود. بیکن، فرانسیس (۱۳۹۲). نوآرغنون. (محمود صناعی، مترجم). تهران، جامی. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۳). تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی. تهران، فرهنگ اسلامی. جعفری، محمدصابر (۱۳۸۶). اندیشه مهدویت و آسیب‌ها. قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). امام مهدی موجود موعود. قم، مرکز نشر اسراء. حائری پور، محمد مهدی (۱۳۹۴). شاخص‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز ظهور؛ مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت. جلد اول. قم، مؤسسه آینده روشن. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹). نرم افزار حوزه و روحانیت (رهنمودهای مقام معظم رهبری). قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات، دسترسی در پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، به نشانی: farsi.khamenei.ir خراسانی، علی (۱۳۹۷). منشور حوزه و روحانیت از منظر رهبر معظم انقلاب. تهران، انقلاب اسلامی.

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه نور؛ منشور روحانیت (پیام حضرت امام خمینی) به روحانیون ۳/ ۱۲/ ۶۷. تهران، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی. رحمت‌آبادی، مهدی، و آقا بخشی، علی (۱۳۹۵). مبانی تمدن‌سازی نوین اسلامی. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۱). زمینه فرهنگ‌شناسی. تهران، عطار. ریشه، گی (۱۳۷۰). کنش اجتماعی. (هما زنجانی زاده، مترجم). مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.

ساروخانی، باقر (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران، اطلاعات. شورای عالی حوزه (۱۳۹۵). سند چشم‌انداز حوزه‌های علمیه. قم، دبیرخانه شورای عالی حوزه. شورای عالی حوزه (۱۳۹۹). مصوبات شورای عالی حوزه. قم، دبیرخانه شورای عالی حوزه. صالحی زاده، عبدالهادی، و عباس‌پور، ابراهیم (۱۴۰۲). تمدن نوین اسلامی در بستر امت دولت‌ساز در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی. دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۶، ۲۸۳-۳۸۰.

- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۶). المیزان فی تفسیر القرآن. (سید محمدباقر موسوی همدانی، مترجم). قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۰). الغیبه. قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
- غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۹۲). احیاء علوم الدین. (حسین خدیوچم، مترجم). تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- غفاری پور، یونس (۱۳۹۳). نقش حوزه‌های علمیه در حیات و استمرار تمدن اسلامی. کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
- غلامی، رضا (۱۳۹۶). فلسفه تمدن نوین اسلامی. تهران، سوره مهر.
- کرمی قهی، محمد، و دیگران (۱۳۹۳). چیستی تمدن اسلامی. قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- کفیلی، رضا، و بهروز لک، غلام‌رضا (۱۴۰۱). نقش و جایگاه آموزه‌های مهدویت در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر آموزه عدالت). نشریه مطالعات بیداری اسلامی، ۷، ۲۳-۲۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق). الکافی. تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- کوزر، لوئیس، و روزنبرگ، برنارد (۱۹۱۳ م). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی. (فرهنگ ارشاد، مترجم). تهران، نشر نی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). قیام و انقلاب مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ. تهران، صدرا.
- ملاصدرا (۱۳۸۰). اسفار اربعه. (محمد خواجوی، مترجم). تهران، مولی.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۸). ساختار دگرگونی حوزه عمومی. (جمال محمدی، مترجم). تهران، نشر افکار.
- وبر، ماکس (۱۳۷۳). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری. (عبدالکریم رشیدیان، مترجم). تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- الویری، محسن (۱۳۹۱). چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نقش حوزه‌های علمیه در تدوین آن. نشریه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۱، ۶۹-۹۰.